



تحلیل روزنامه اعتماد از شرایط اصلاح طلبان و اصولگرایان در انتخابات مجلس.

روزنامه اعتماد در تحلیلی مفصل نوشت: آنچه امروز از فضای سیاسی ایران می‌توان برداشت کرد این است که يك قطب انتخابات آتی اصلاح طلبان خواهند بود. آنها هر بار که مجالی برای ابراز نظرات خود می‌یابند بر حضور همه جانبه و قدرتمند در انتخابات تاکید می‌کنند و تاکنون کمترین نشانه‌ای مبنی بر اختلافات راهبردی و حتی استراتژیک میان‌شان دیده نمی‌شود.

در تمام طیف‌های اصلاح طلب يك حرف مشترك وجود دارد و آن رهبری سید محمد خاتمی است. همین حرف مشترك بزرگ‌ترین مزیت رقابتی آنان است که از بروز انشقاق در میان‌شان جلوگیری می‌کند. زمین بازی اصولگرایان نشان می‌دهد امکان جمع کردن احمدی‌نژاد و آیت‌الله مصباح با لاریجانی و سایر معتدلين حتي زیر چتر جامعیت فراهم نیست. بنابراین حداقل امروز نمی‌توان آنها را يك قطب و پیکر منسجم تلقی کرد. از سویی اقطار مختلف اصولگرایی در صورت جدایی از هم هیچ کدام نمی‌توانند از چنان وزنی برخوردار باشند که بتوان نام قطب بر آن نهاد.

شاید تنها محمود احمدی‌نژاد در صورت صدور اجازه برای ورود تمام قد به انتخابات آتی بتواند يك رقیب جدی برای اصلاح طلبان باشد و انتخابات را به يك دو قطبی هیجان‌انگیز تبدیل کند. محمدرضا عارف نیز با موضع‌گیری‌های هوشمندانه امروز بدل به یکی از مهره‌های تاثیرگذار اصلاح طلبان شده که می‌تواند برگ برنده آنان باشد. در مجموع به نظر می‌رسد اصلاح طلبان امروز در وضعیتی هستند که از ائتلاف عبور کرده و به دنبال مصادیق هستند تا کاندیداهای اصلاح طلب در شهرستان‌ها را شناسایی کنند.

ایزارها

اصلاح طلبان برای پیروزی در انتخابات مجلس ایزارهای گسترده‌ای در اختیار ندارند. آنها در ارتباط برقرار کردن با بدنه اجتماعی خود يك مشکل اساسی دارند. نبود رسانه‌های فراگیر و فرصت برابر در صدا و سیما بزرگ‌ترین مانعی است که باعث می‌شود رابطه با توده برای شان مشکل شود. با این حال آنها توانسته‌اند با تمرکز بر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بخشی از این نقیصه را برطرف کنند. فعالان سیاسی اصلاح طلب در شهرستان‌ها عموماً جوانانی هستند که ضمن تعلق به طبقه متوسط شهری با ایزارهای ارتباط جمعی اینترنتی آشنایی دارند و هسته‌های فعالیت خود را از این طریق سازماندهی می‌کنند. بنابراین می‌توان شبکه‌های اجتماعی را یکی از ایزارهای اصلاح طلبان دانست. ایزار دیگر آنان برای موفقیت در انتخابات مجلس نیروی انسانی گسترده در شهرستان‌هاست. این نیروی انسانی می‌تواند در فرایند انتخابات با تشکلیابی و سازمان‌یابی مناسب به پیروزی اصلاح طلبان کمک کند. چهره‌های شاخص اصلاح طلبان به دلیل اینکه راه‌های ارتباطی‌شان با مردم محدود است تنها می‌توانند با سفرهای استانی در قالب سخنرانی در جمع‌های دانشجویی و مساجد و پایگاه‌های باقی مانده پیوندشان را با مردم تا انتخابات مستحکم‌تر کنند. تشکلهای دانشجویی، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌های مردم نهاد که از تندباد فضای امنیتی سال‌های گذشته جان سالم به در برده‌اند یکی دیگر از ایزارهایی هستند که می‌توانند با دعوت از چهره‌های شاخص اصلاح طلب در شهرستان‌ها شرایط را برای ارتباط آنان با مردم مهیا کنند.

فرصت‌ها

اجماع کم‌نظیر فعلی اصلاح طلبان بزرگ‌ترین فرصت برای آنان است. آنها توانسته‌اند خطر انشقاق توسط

بعضی نیروهای سیاسی و جریان رقیب را پشت سر بگذارند و امروز تحت پرچم شورایی هماهنگی جبهه اصلاحات فعالیت‌های خود را ساماندهی کنند.

موضوع بعدی عملکرد نسبتاً مطلوب دولت روحانی است. آنها به عنوان حامیان روحانی در میان مردم جایگاه خوبی دارند و می‌توانند از عملکرد دولتی که حمایتش کرده‌اند، دفاع کنند. بنابراین این فرصت برای شان فراهم است تا ضمن حمایت از دولت، آرای مردمی که همچنان تحت تأثیر خرداد ۹۲ هستند را به سبب خود واریز کنند.

حل و فصل پرونده هسته‌ای طی ماه‌های آینده پیروزی بزرگی برای حامیان دولت خواهد بود. آنها بزرگ‌ترین وعده‌ای که داده بودند را عملی می‌کنند و از این طریق می‌توانند مردم را دوباره قانع کنند تا اکثریت مجلس را هم به دست گیرند.

یکی از بزرگ‌ترین مزایای اصلاح طلبان نسبت به رقیب اصولگرا کادرسازی سیاسی است. آنها اگرچه در نگاه اول احزاب بزرگ خود را از دست داده‌اند اما هنوز می‌توانند در شهرستان‌ها نیروهای کادری خود را به سرعت فعال کنند. البته این در شرایطی است که رقیب به سراغ شبکه‌های غیرسیاسی نرود.

تهدیدها

بزرگ‌ترین تهدید پیش روی اصلاح طلبان سلب امکان حضور حداکثری کاندیدها در انتخابات است. آنها از مجلس سوم شورایی اسلامی به این سو برای تمام ادوار مجلس و ریاست‌جمهوری با این مشکل روبه‌رو بوده‌اند.

تهدید بعدی برای آنان رفتارهای غیراخلاقی رقیب است که در برخی موارد حتی اعتراض بزرگان نظام را هم برانگیخت. اتهام‌زنی‌های بی‌هوده و تنگ کردن دایره خودی‌های نظام از سوی رقیب و برخی نهادهای رسمی توان رقابتی آنان را کاهش می‌دهد. فرصت انتخاباتی نابرابر دیگر تهدید پیش روی اصلاح طلبان است. آنها در طول سال‌های گذشته به ویژه پس از انتخابات سال ۸۸ به اندازه یک دهم رقیب اصولگرای خود نیز نتوانسته‌اند از تریبون‌های رسمی به بیان نظرات‌شان بپردازند.

مجمع‌الجزایر اصولگرایان

وضعیت امروز اصولگرایان به گونه‌ای است که فکر و ذکر همه‌شان وحدت است. خلأ وجود چهره‌های شاخص و ریش‌سفید و رشد آسانسوری شبه‌حزب‌هایی که با تدریج و افعال رادیکال سهمی برای خود به دست آورده‌اند فضای نامتعادلی را در این جریان پدید آورده است. از سوی دیگر ژنرال‌های معتدل این جریان نظیر ولایتی، قالیباف، رضایی و البته علی لاریجانی نیز حاضر به همراهی با هیچ‌کدام از اقطار اصولگرایی نیستند. آنها به چتر جامعیت را بالای سر خود قبول می‌کنند و نه حاضرند با آیت‌الله مصباح و احمدی‌نژاد دور یک میز بنشینند. تصویر امروز جریان اصولگرا تصویر مجمع‌الجزایری است که عده‌ای به دنبال ایجاد راه‌های ارتباطی میان آنها هستند و با برگزاري همایش‌های وحدت تلاش دارند این راه را ریل‌گذاری کنند.

ابزارها

اصولگرایان برای پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری از میان ابزارهای عادی یک رقابت سالم تنها سازمان‌یافتگی را در اختیار دارند. آنها با دفاتر استانی و شهرستانی احزاب متعدّدشان می‌توانند به این نقطه اتکا کنند اما حتماً این بزرگ‌ترین و بهترین وسیله برای پیروزی نیست. آنها ابزارهای بهتری نظیر حذف رقیب، برخورداری از تریبون‌های رسمی، مصونیت در برابر تخلفات و... را در اختیار دارند که تجربه ادوار گذشته انتخابات نشان داده در استفاده از آن بی‌میل نیستند.

فرصت‌ها

اصولگرایان از تمام ابزارهای غیررسمی که در اختیار دارند می‌توانند به عنوان یک فرصت استفاده کنند با این حال تمرکز ویژه آنها بر تنگ کردن دایره خودی‌ها در نظام برای‌شان این فرصت را فراهم می‌کند تا رقیب را از صحنه بیرون کنند. در عین حال توسعه‌نیافتگی سیاسی در حوزه‌های انتخابیه کوچک و رفتار سنتی رای‌دهندگان است. به همین دلیل اصولگرایان در حوزه‌های انتخابیه کوچک می‌توانند به پیروزی امیدوار باشند.

تهدیدها

نتایج انتخابات ریاست جمهوری گذشته به خوبی نشان دهنده خواسته رای دهنندگان بود. اکثریت قاطع مردم ایران در انتخابات خرداد ۹۲ گفتمان جدیدی را انتخاب کردند که هرگز همسو با ادبیات و اعتقادات رایج اصولگرایان نیست. از سویی دیگر طبقه متوسط شهری با وجود آسیب های فراوانی که از سیاست های دولت قبل متحمل شد هنوز زنده است و می تواند ترکیب کرسی های مجلس را تغییر دهد. بزرگ ترین تهدید پیش روی اصولگرایان قبل از عدم اجماع درونی، رویگردانی مردم از سیاست های آنان است. رای دهنندگان ایرانی هنوز حمایت های بی شائبه آنان از دولت محمود احمدی نژاد را فراموش نکرده اند و کوچک شدن سفره های شان را به چشم دیده اند. بنابراین تا زمانی که سایه سنگین سیاست های احمدی نژاد بر سر اصولگرایان باشد آنها نمی توانند امیدوار به کسب رای اکثریت باشند. خاصه آنکه در حال و هوای این روزهای سیاست ایران نزدیکان احمدی نژاد کنار اصولگرایان قرار می گیرند و در همایش های وحدت آنان شرکت می کنند. با وجود مسابقه اعلام برائت در میان اکثر اصولگرایان از احمدی نژاد، وابستگان او همچنان جایگاه درخورتوجهی میان اصولگرایان دارند و این می تواند آغاز شکستی دوباره برای آنها باشد.

مستقل ها

در تمامی مجالس شورای اسلامی يك اقلیت تاثیرگذار به نام مستقل ها هم حضور داشته اند. آنها بدون وابستگی رسمی سیاسی به جریان های موجود با تکیه بر توانمندی های شخصی یا خانوادگی در حوزه های انتخابیه رای دهنندگان را مجاب می کنند تا به عنوان وکیل شان در مجلس حضور یابند. توجه به این اقلیت تاثیرگذار از این حیث اهمیت دارد که در جریان تصویب طرح ها و لوایح معمولاً رای این دسته از نمایندگان اهمیتی دوچندان می یابد. به همین دلیل نیز دو جریان سیاسی اصلی کشور تلاش می کنند یا چهره های مستقل را پیش از انتخابات شناسایی کرده و آنها را جذب کنند یا در رقابت انتخاباتی آنها را شکست دهند. البته در میان اصلاح طلبان در حال حاضر یکی از پیشنهادات توجه به این همین قشر خاکستری است که اولاً از سویی شورای نگهبان با مانع جدی رویه رو نمی شوند و در ثانی می توانند تبدیل به چهره های اصلاح طلبی شوند که در کانون قدرت حضور می یابند.

چندقطبی یا دو قطبی؟

آنچه امروز از فضای سیاسی ایران می توان برداشت کرد این است که يك قطب انتخابات آتی اصلاح طلبان خواهند بود. آنها هر بار که مجالی برای ابراز نظرات خود می یابند بر حضور همه جانبه و قدرتمند در انتخابات تاکید می کنند و تاکنون کمترین نشانه ای مبنی بر اختلافات راهبردی و حتی استراتژیک میان شان دیده نمی شود. در تمام طیف های اصلاح طلب يك حرف مشترک وجود دارد و آن رهبری سید محمد خاتمی است. همین حرف مشترک بزرگ ترین مزیت رقابتی آنان است که از بروز انشقاق در میان شان جلوگیری می کند. اما در خیمه و خرگاه اصولگرایان هرگز این مزیت دیده نمی شود و زمین بازی اصولگرایان نشان می دهد امکان جمع کردن احمدی نژاد و آیت الله مصباح با لاریجانی و سایر معتدلين حتي زیر چتر جامعیت فراهم نیست.

بنابراین حداقل امروز نمی توان آنها را يك قطب و پیکر منسجم تلقی کرد. از سویی اقطار مختلف اصولگرایی در صورت جدایی از هم هیچ کدام نمی توانند از چنان وزنی برخوردار باشند که بتوان نام قطب بر آن نهاد. شاید تنها محمود احمدی نژاد در صورت صدور اجازه برای ورود تمام قد به انتخابات آتی بتواند يك رقیب جدی برای اصلاح طلبان باشد و انتخابات را به يك دو قطبی هیجان انگیز تبدیل کند. در غیر این صورت رقابت میان اصلاح طلبان و جمعیت متکثر و پراکنده اصولگرایان نمی تواند سازنده يك انتخابات قطبی باشد. تجربه سه انتخابات ریاست جمهوری گذشته نشان داده است در صورت قطبی شدن فضا احمدی نژاد برگ های زیادی برای بازی کردن در اختیار دارد اما او امروز ضعیف ترین احمدی نژاد تمام ۹ سال گذشته است. احمدی نژادی که اطرافیان کم و بیش پراکنده شده اند، برخی با احکام قضایی مواجهند و بعضی نیز دیگر دلبسته او نیستند اما با این حال احمدی نژاد همیشه می تواند يك رقیب بالقوه قدرتمند باقی بماند.

برچسب ها: انتخابات مجلس دهم ، اصلاح طلبان ، اصولگرایان